

## عنوان مقاله:

### بررسی وجوه دستوری در غزلیات خواجه حافظ شیرازی

نویسنده:

حسین حسین زاده آرانچی

۱- دانش آموخته ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی

Email:hosein-h@yahoo.com

## چکیده

خواجه شمس‌الدین محمد بن بهاء‌الدین محمد حافظ شیرازی (۷۲۷ هجری قمری / ۱۳۲۵ میلادی - ۷۹۲ هجری قمری / ۱۳۹۰ میلادی) مشهور به لسان‌الغیب، ترجمان الاسرار، لسان‌العرفا و ناظم‌الاولیاء، شاعر فارسی‌زبان سده هشتم هجری شیراز است. از این روی خواجه شمس‌الدین محمد بن بهاء‌الدین حافظ شیرازی شاعر بزرگ سده هشتم (چهاردهم میلادی) یکی از سخنوران نامی است که همواره از جهات گوناگون دیوان اشعار او مورد توجه بوده و اغلب شعرهای او که در قالب غزل سروده شده سرآمد خاص و عام است. اشعار حافظ همانطور که از منظر جنبه‌های بلاغی و زیبایی‌شناختی سرآمد است، از نظر جنبه‌های دستوری نیز جایگاهی متمایز دارد، از این رو بررسی جنبه‌های دستوری در دیوان او می‌تواند مرجع اطمینان‌بخشی برای آگاهی بیشتر در حوزه‌ی دستور زبان فارسی باشد. این مقاله در یک مقدمه و دو گفتار، با بررسی وجه دستوری امری و اغراض سیزده‌گانه وجه امری، در غزلیات وی می‌کوشد به واکاوی دیدگاه او در این وجه بپردازد.

## کلیدواژه:

دیوان، حافظ، وجوه دستوری، اغراض وجه‌امری

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی  
The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

مقدمه

بیان مسئله

ادبیات فارسی در حوزه شعر، سهمی از افعالش را به افعال امر و نهی یا به عبارتی به «وجه امری» اختصاص داده است. افعالی که در گروه افعال انشایی می‌گنجد و رنگ توصییه و پیشنهاد یا منع و بازداشت به خود می‌گیرد. «وجه امری یکی از وجوه صرف فعل است که به وسیله آن فرمانی، یا خواهشی یا آرزویی، یا منعی از اجرا یا از وقوع فعلی بیان می‌شود.» [۱]

پرویز ناتل خانلری در کتاب *دستور زبان فارسی*، وجه امری را به سه صیغه محدود دانسته و آورده است: «وجه امری از همان ماده مضارع ساخته می‌شود و به خلاف زمان‌های وجوه دیگر سه صیغه بیشتر ندارد [مثل] بنویس، بنویسیم، بنویسید.» [۲] همچنین وجه امری به دو گروه اصلی فعل‌های **امر** و فعل‌های **نهی** تقسیم می‌شود. در این پژوهش، وجه امری در غزلیات حافظ شیرازی از منظر وجه دستوری امری و اغراض آن بررسی می‌گردد. کاربرد وجه امری در ابیات و جملات، بار معنایی و مفهومی خاصی دارند و نگارنده به غرض و مقصودی خاص از وجه امری بهره می‌برد. سیروس شمیسا در کتاب *بیان و معانی*، سبزه غرض برای افعال امر بیان نموده است.

۱-۲- هدف اصلی پژوهش

از این رو پژوهش فوق با مطالعه کتابخانه‌ای، در یک مقدمه و دو گفتار ضمن وجوه دستوری امری در دیوان حافظ را از منظر کمی و کیفی بررسی می‌نماید.

۱-۳- پیشینه پژوهش

این موضوع از دو منظر در مقاله‌های ادبی بررسی شده است گروهی به لحاظ ساختاری و گروهی به لحاظ مصداقی به بررسی وجه امری پرداخته‌اند. در گروه اول می‌توان از مقاله‌های آهنگر و مغانی (۱۳۶۹) با عنوان «رویکرد کمینه‌گرا به نوع بندی نحوی جملات امری در فارسی» [۳] و مقاله مغانی (۱۳۹۷) با عنوان «معنی شناسی جملات امری در فارسی» [۴] یاد کرد که بیشتر به مفهوم و کارکرد وجه امری در شعر فارسی پرداخته‌اند. در گروه دوم نیز مقاله سلیمی و علوی (۱۳۹۹) با عنوان مقاله با عنوان «بررسی کارکردهای دینی و اخلاقی جملات پرسشی و امری در قصاید سنایی» [۵] و کاردانی و مال میر (۱۳۸۸) با عنوان «بررسی نقش‌های معنایی جملات پرسشی و امری در قصاید خاقانی» [۶] می‌گنجد که این دو وجه را فقط بر اساس اغراض گوینده از بیان وجه امری و پرسشی، در اشعار خاقانی و سنایی بیان کرده‌اند. در مقاله رحیمیان و شکری (۱۳۸۱) به نام «نقش‌های معنایی- منظوری جملات پرسشی در غزلیات حافظ» [۷] نیز نویسندگان وجه پرسشی را مورد پژوهش قرار داده‌اند. در این پژوهش نیز وجه امری و اغراض وجه امری واکاوی می‌گردد.

#### ۱-۴-سؤال اصلی پژوهش

- آیا وجه امری و اغراض آن در دیوان حافظ بسامد بالایی دارد؟

#### ۱-۵-روش تحقیق

جامعه‌ی آماری این پژوهش دیوان غزل حافظ است که وجه امری در تمام ابیات و غزلیات حافظ شیرازی جستجو و ۱۸۳۵ مورد (Record) از ۴۹۵ غزل حافظ جمع‌آوری شد. در این پژوهش با روش مطالعه‌ی کتابخانه‌ای، کتاب‌ها، مقالات و دیوان حافظ، مورد بررسی قرار گرفتند و برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش، با رجوع به منابع کتابخانه‌ای و اسناد موجود، برخی از اطلاعات مورد نیاز حاصل گردید.

#### گفتار نخست

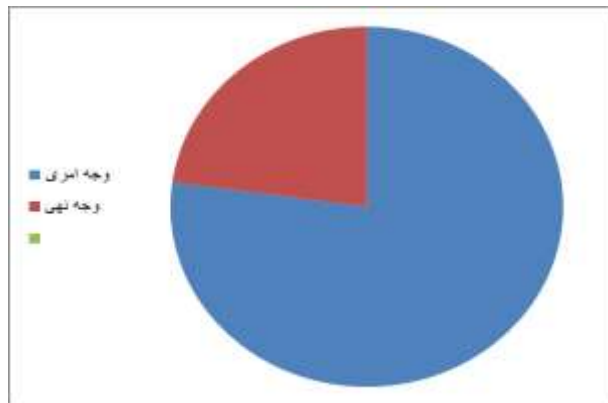
#### تعریف و بررسی وجوه دستوری امری

وجه امری یکی از وجوه افعال فارسی در کنار «وجه اخباری، وجه التزامی، وجه امری، وجه شرطی و وجه تمنایی» [۸] است و «به شیوه‌ای از استعمال فعل اطلاق می‌شود که به وسیله آن گوینده وضع خود را نسبت به جریان فعل بیان می‌کند» [۹]

امید مجد نیز در کتاب دستور زبان فارسی با رویکرد آموزشی که خلاصه کتاب دستور مفصل امروز نوشته دکتر خسرو فرشیدورد است، وجه فعل را چنین تعریف کرده است: «وجه فعل صورت یا جنبه‌ای از آنست که بر اخبار و احتمال و امر و آرزو و تمنا و تاکید و بعضی امور دیگر دلالت می‌کند» [۱۰] و معتقد است: «امروزه در زبان فارسی شش وجه داریم ۱. وجه اخباری ۲. وجه التزامی ۳. وجه امری ۴. وجه تاکید ۵. وجه مصدری عوجه وصفی» [۱۱]، مجد در تعریف وجه امری بر واژه طلب تاکید می‌کند و می‌نویسد: «وجه امری یا فعل امر آنست که بر طلب دلالت کند. این طلب ممکن است فرمان یا خواهش یا تمنا یا اموری دیگر از این قبیل باشد» [۱۲] و ناتل خانلری زیرشاخه‌های وجه امری را چنین تبیین می‌کند: «وجه امری صورتی از فعل است که با آن فرمانی داده می‌شود، به اثبات یا نفی یا درخواست اجرای فعلی بیان می‌شود.» [۱۳]

بنابراین وجه امری به دو زیرشاخه امر و نهی تقسیم می‌شود و اعتقاد بر این است که فعل نهی، صورت منفی فعل امر است لذا گفته شده: «برای ساختن صیغه منفی امر- که امر منفی یا نهی نام دارد- نشانه نفی «ن» جانشین جزء پیشین «ب» می‌شود. [۱۴] البته «نشانه نهی در این دوره (فارسی دری)، جزء پیشین «م» است. [۱۴]

در این پژوهش، پس از بررسی ۴۹۵ غزل حافظ شیرازی، ۱۸۳۵ مورد وجه امری یافت شد که از این تعداد ۱۴۴۴ مورد آن به افعال امر اختصاص دارد. به عبارت دیگر ۷۹ درصد وجه امری در شعر حافظ را افعال امری است که می‌توان نتیجه گرفت: حافظ در غزل‌هایش بیشتر به فراخوان و دعوت گرایش دارد.



نمودار ش ۱: بسامد وجه امری

### گفتار دوم-اغراض وجه امری در دیوان حافظ

به اینکه فعل امر در جمله یا بیت به چه منظور به کار رفته است و نویسنده یا شاعر، چه نیت و انگیزه‌ای از به کار بردن فعل امر داشته‌اند، «غرض فعل» گفته می‌شود. شمیسا در کتاب بیان و معانی، سیزده غرض زیر را برای به کار بردن فعل امر برشمرده است که عبارتند از:

«عبرت، دعا، تمنا و تقاضا و آرزو، ارشاد و ترغیب و تشویق، تهدید و تحذیر، تعجیز، تعریض، تسویه و تخییر، اذن و اجازه، تعجب، استهزا و تحقیر، استرحام و نهی» [۱۵]

به کار بردن فعل نهی نیز «در اصل برای طلب نکردن و تحریم است؛ اما گاهی غرض از آن مطالب دیگری است» [۱۶] غرض‌های فعل نهی در نظر شمیسا عبارتند از: «تمنا و آرزو، دعا، ارشاد، توبیخ، تهدید و تحذیر، تشویق و امر» [۱۷] تعداد هزار و چهارصد و چهل و چهار فعل امر در غزلیات حافظ بر اساس سیزده غرض به شرح ذیل بیان می‌گردد:

### ۱-۲- اذن و اجازه:

این غرض بیشتر جنبه‌ی دستوری دارد و حافظ این غرض را بیشتر زمانی به کار می‌برد که می‌خواهد کسی را به انجام دادن کاری دعوت کند، فرا بخواند یا راه و شیوه‌ای را به او توصیه کند. این غرض، به طور معمول با منادا به کار می‌رود مانند این مصرع از غزل ۲۴۹: «ساقیا آن قدح آینه کردار بیار» [۱۸] که آوردن فعل امر «بیار» که جنبه‌ی دستوری دارد با آوردن منادای «ساقیا» همراه شده است. غرض اذن و اجازه با فراوانی نهصد و پنجاه و نه مورد و سهم ۶۶ درصدی، بیشترین غرض حافظ از به کار بردن فعل امر بوده است. به عبارت دیگر نزدیک به دوسوم از فعل‌های امر حافظ به فراخواندن و دعوت کردن دیگران یا خود به کاری اختصاص دارد.

## ۲-۲- ارشاد و ترغیب و تشویق:

این غرض بیشتر جنبه راهنمایی و دلسوزی دارد و حافظ سعی می‌کند چراغی فراروی مخاطب خود روشن کند تا به راهی درست قدم بردارد و کاری شایسته انجام دهد. این غرض با فراوانی صد و چهل و پنج مورد و سهم ۱۰ درصدی، اغراض فعل امر را دارد.

## ۲-۳- تمنّا و تقاضا و آرزو:

این غرض با احترامی بیشتر از غرض اذن و اجازه، بیان کننده درخواست و تمنّای حافظ از مخاطب خود است مانند این مصراع از غزل ۴۷۶ که با احترام از یار چنین درخواستی می‌کند: «گذر به کوی فلان کن در آن زمان که تو دانی». این غرض با فراوانی هفتاد مورد و سهم ۴/۸ درصدی، اغراض فعل امر را دارد.

## ۲-۴- دعا:

حافظ زمانی که دست به دامان خداوند می‌زند و خواهشی از او دارد، با آوردن عبارتهایی همچون «یارب»، «خداوندا»، «خدایا» و نام‌های دیگر پروردگار از این غرض بهره می‌برد و به فعل امر خود رنگ دعا می‌زند مانند این مصراع از غزل ۵۲ که می‌گوید: «دولت فقر خدایا به من ارزانی دار». این غرض با فراوانی چهل و شش مورد و سهم ۳/۲ درصدی، اغراض فعل امر را دارا است.

## ۲-۵- استرحام:

حافظ فعل‌های امر استرحامی را بیشتر خطاب به خداوند و بعد از آن خطاب به محبوب خود بیان می‌کند و مستقیم یا غیرمستقیم او را به مهربانی و عطف فرامی‌خواند. مانند این مصراع از غزل ۲۶۶ که می‌گوید: «فقیر و خسته به درگاہت آمدم رحمی» که در این مثال واژه رحمی دلیلی بر درخواست رحمت است. این غرض با فراوانی چهل و چهار مورد و سهم ۳ درصدی، اغراض فعل امر را دارد.

## ۲-۶- تعجّب:

در این غرض، حافظ حیرت و تعجّب خود را با آوردن افعال امری همچون «بین» و «بین» و «نگر» و صیغه‌های دیگر فعل دیدن و نگریستن نشان می‌دهد و به این بهلنه، امری تعجّب‌برانگیز را بیان می‌کند. مانند این مصراع از غزل ۱۱۱ که می‌گوید: «این گدا بین که چه شایسته انعام افتاد». این غرض با فراوانی چهل مورد و سهم ۲/۸ درصدی، اغراض فعل امر را دارا است.

## ۲-۷- تعریض:

به تعریض سخن گفتن یعنی بیان کنایه‌آمیز سخن. در این غرض، حافظ کنایه‌های خود را در جامه‌ی افعال امری دوپهلوی بیان می‌کند و منظورش معنای دوم فعل است مانند این مصراع از غزل ۳۲ «به خنده گفت که حافظ برو که پای تو بست» حافظ در این بیت، یار را تهدید می‌کند که از جور او از شهر خواهد رفت و محبوب به شوخی و کنایه به زبان امروزی می‌گوید: «برو! چه کسی جلوی تو را گرفته است.» این غرض با فراوانی سی مورد و سهم ۲/۱ درصدی، اغراض فعل امر را دارد.

## ۲-۸- استهزا و تحقیر:

حافظ با به کارگیری این غرض، در مقابله با مخالفان و بدخواهان زبان به نکوهش و تحقیر آنها می‌گشاید و کوچک‌انگاری و به سخره‌گرفتن حریف را با فعل امر بیان می‌کند. مانند این مصراع از غزل ۴۰۴ که به خواجه تهی‌مغز چنین می‌گوید: «برو ای خواجه عاقل هنری بهتر از این». این غرض با فراوانی بیست و هفت مورد و سهم ۱/۹ درصدی، اغراض فعل امر را دارا است.

## ۲-۹- تسویه و تخییر:

فعل امر با غرض تسویه و تخییر زمانی به کار می‌رود که شاعر دوراهی انتخاب را به مخاطب نشان می‌دهد سپس توصیه خود را بیان می‌کند و انتخاب را به اختیار یا به عبارتی به خرد او واگذار می‌کند مانند این مصراع از غزل ۴۸۵ که می‌گوید: «روی جلنان طلبی آینه را قبلل ساز» حافظ از این غرض در جملات شرطی نیز بهره می‌برد مانند این بیت از غزل ۴۴۶ «قدم برون نه اگر میل جست و جو داری». این غرض با فراوانی بیست و دو مورد و سهم ۱/۵ درصدی، اغراض فعل امر را دارد.

## ۲-۱۰- عبرت:

این غرض را حافظ زمانی اختیار می‌کند که می‌خواهد خود یا مخاطب را به عبرت گرفتن از روزگار و حوادث آن دعوت کند مانند این مصراع از غزل ۱۲۱ «چو بر روی زمین باشی توانایی غنیمت دان» این غرض با فراوانی بیست مورد و سهم ۱/۴ درصدی، اغراض فعل امر را دارد.

## ۲-۱۱-تهدید و تحذیر:

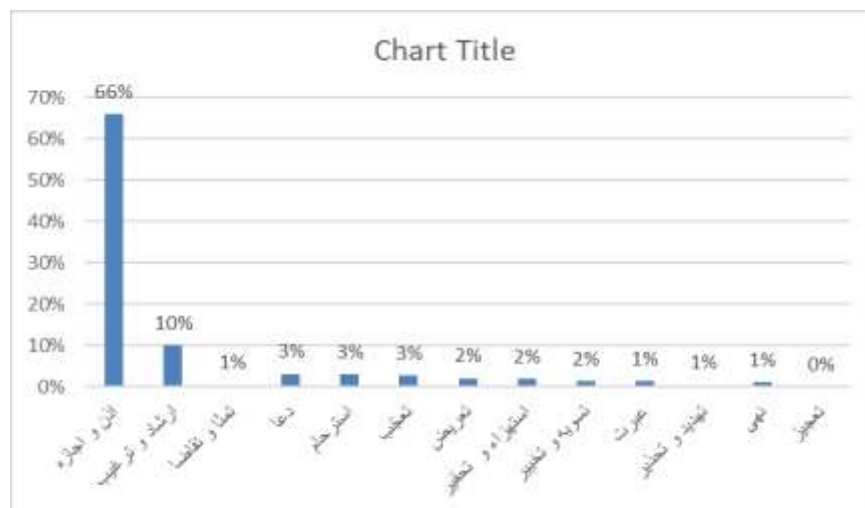
غرض برخی از افعال امر، برحذرداشتن مخاطب از درافتادن در دره‌های خطا و فکرهای اشتباه و انتخاب‌های ناپسند است. مانند این مصراع از غزل ۴۵ «جریده رو که گذرگاه عافیت تنگ است» این غرض با فراوانی هجده مورد و سهم ۱/۲ درصدی، اغراض فعل امر را دارد.

## ۲-۱۲-نهی:

این غرض دربردارنده‌ی مفهومی بازدارنده است به طوری که گوینده با بهره‌گیری از این فعل امر، مخاطب خود را از انجام دادن کاری باز می‌دارد. یکی از افعال پرتکرار امر در غزلیات حافظ که حاوی این مفهوم است، فعل «خموش» است به طوری که از هجده مورد افعال با مفهوم نهی، درشش مصراع از فعل خموش استفاده کرده است مانند این بیت غزل ۲۷۳ «خموش حافظ و از جور یار ناله مکن». این غرض با فراوانی هجده مورد و سهم ۱/۲ درصدی، اغراض فعل امر را دارد.

## ۲-۱۳-تعجیز:

افعال امر با غرض تعجیز زمانی به کار می‌روند که شاعر با به کاربردن این فعل امر، عجز و کاستی‌های مخاطب را به رخ او می‌کشد. این افعال از درون حسی از تحقیر و سرزنش را نیز القا می‌کنند. مانند این مصراع از غزل ۴۵۳: «رو که تو مست آب انگوری». این غرض با فراوانی پنج مورد و سهم ۰/۳ درصدی، اغراض فعل امر را دارد.



نمودار درصدی ش ۲-اغراض وجه امری در دیوان حافظ

## نتیجه گیری

شمس‌الدین محمدحافظ شیرازی، شاعر سبک عراقی، از شاعران مبتکری است که غزلیاتش با زبانی غنی و با بیانی ادبی به علم معانی، بیان و بدیع اشاره دارد. در کنار این ویژگی، شعر حافظ فراتر از ساختار زبانی و زیبایی واژه‌ها به عنصری عام و جهانی نیز تکیه دارد که سبب شهرت و محبوبیت این شاعر گرانمایه و راز مانایی ماندگاری اشعار او گردیده است. غزل‌های حافظ با بهره‌مندی از جنبه‌های دستوری کلام را جایگاهی والا می‌بخشد و تأثیرگذاری آن را دوچندان می‌کند. در شعر او علم معانی زیربنا و شالوده‌ی اساسی سخن است که به تبیین جهان‌بینی و اندیشه‌های درونی شاعر می‌پردازد. جابجایی عناصر جمله، ایجاز و اطناب‌ها، مفاهیم مستتر در ظاهر کلام، به کارگیری انواع جمله‌ها و اغراض آن همه با لایه‌های درونی سخن او در ارتباط است و کلام و زبانش را جاودانگی می‌بخشد.

## منابع و ماخذ:

- [۱]- نائل خانلری، پرویز، (۱۳۸۲)، تاریخ زبان فارسی، ج ۲، چاپ هفتم، تهران: فرهنگ نشر نو: ص ۲۹۶
- [۲]- نائل خانلری، پرویز، (۱۳۸۰)، دستور زبان فارسی، چاپ هجدهم، تهران: نشر توس: ص ۱۲۳
- [۳]- آهنگر، عباسعلی و مغانی، حسین (۱۳۶۹)، «رویکردی کمینه‌گرا به نوع بندی نحوی جملات امری در فارسی»، مجله زبان فارسی و گویش‌های ایرانی، سال دوم، شماره ۴، ص ۷-۳۳.
- [۴]- مغانی، حسین (۱۳۹۷)، «معنی شناسی جملات امری در فارسی»، فصلنامه مطالعات و گویش‌های غرب ایران، سال ششم، شماره ۲۱، ص ۹۹-۱۲۶.
- [۵]- سلیمی، حسین و علوی، بشیر (۱۳۹۹)، «بررسی کارکردهای دینی و اخلاقی جملات پرسشی و امری در قصاید سنایی»، مجله پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال دوازدهم، شماره ۴۷، ص ۱-۲۶.
- [۶]- کاردانی، چنور و مالمیر، تیمور (۱۳۸۸)، «بررسی نقش‌های معنایی جملات پرسشی و امری در قصاید خاقانی»، فصلنامه کاوشنامه، سال دهم، شماره ۱۹، ص ۱۲۳-۱۵۲.
- [۷]- رحیمیان، جلال و شکری احمدآبادی، کاظم (۱۳۸۱)، «نقش‌های معنایی - منظوری جملات پرسشی در غزلیات حافظ»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۱۸، شماره ۳۵، ص ۱۷-۳۴.
- [۸]- نائل خانلری، پرویز، (۱۳۸۲)، تاریخ زبان فارسی، ج ۲، چاپ هفتم، تهران: فرهنگ نشر نو: صص ۱۹۹-۱۹۸
- [۹]- همان: ص ۱۹۸
- [۱۰]- مجد، امید (۱۳۹۴)، دستور زبان فارسی با رویکرد آموزشی، تهران: نشر امید مجد: ص ۵۸



چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی  
The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

[۱۱]-همان: ص ۵۹

[۱۲]- همان

[۱۳]- ناتل خانلری، پرویز، (۱۳۸۲)، تاریخ زبان فارسی، ج ۲، چاپ هفتم، تهران: فرهنگ نشر نو: ص ۱۹۹

[۱۴]- سعادت، اسماعیل (۱۳۸۴)، دانشنامه زبان و ادب فارسی، ج ۱، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی: ص ۵۱۵

[۱۵]- ناتل خانلری، پرویز، (۱۳۸۲)، تاریخ زبان فارسی، ج ۲، چاپ هفتم، تهران: فرهنگ نشر نو: ص ۳۰۳

[۱۶]- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳). بیان و معانی، چاپ هشتم، تهران: نشر فردوس: ص ۱۹۶-۱۹۳

[۱۷]- همان: ۱۹۷-۱۹۶

[۱۸]- حافظ شیرازی، خواجه محمد (۱۳۷۷). دیوان غزلیات حافظ، تهران: انتشارات صفی علی شاه.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
**فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی**

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature